

## پرسش ۱۳۱: خانه در زمین های دولتی.

السؤال / ۱۳۱ : لقد بنيت بيتاً في أرض تابعة للدولة وليست ملكاً لأحد، مع العلم إنها لا تؤثر على سوق أو مدرسة أو شارع مع أخذ الموافقة من الجيران قبل البناء فما حكم هذا البيت؟ والسلام عليكم

خانه ای در زمین های دولتی که متعلق به شخص خاصی نیست، ساختم؛ با علم به اینکه زمین متعلق به بازار، مدرسه یا خیابان نیست و قبل از احداث از همسایه ها هم اجازه گرفتم. حکم این خانه چیست؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

الأرض إما ملك للإمام المهدي (ع) أو للمسلمين المؤمنين بالحق، وللإمام حق التصرف، وليس لدولة الطاغوت أي حق شرعي في التصرف فيها. فيحق لكل مؤمن بالحق أن يسكن ويبني داراً له إذا كان لا يملك داراً يسكن فيها، ولا يعتد بدولة الطاغوت أو من يواليها من السفهاء الذين يعتبرون الأرض التي ملكها لهم صدام أو الطواغيت من أمثاله شرعية، والأرض التي يأذن الإمام لأوليائه التصرف فيها غير شرعية!! ([561]).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

زمین، یا ملک امام مهدی (ع) است و یا متعلق به مؤمنین به حق می باشد و حق تصرف از آن امام (ع) است و حکومت طاغوت هیچ گونه حق شرعی دخل و تصرف در آن را ندارد. حق هر مؤمن به حقی است که خانه ای بنا کند و در آن ساکن شود، اگر خانه ای نداشته باشد و در این خصوص دولت یا پیروان سفیه آن اهمیتی ندارند؛ همان کسانی که تصور می کنند املاکی که صدام یا طاغوت هایی نظیر او به آنها داده است،

شرعی، و در عوض، زمینی که امام به یارانش اجازه‌ی تصرف می‌دهد، غیر شرعی است([562])!!



[561] - عن عمر بن یزید قال: رأیت مسمعاً بالمدينة وقد كان حمل إلى أبي عبد الله (ع) تلك السنة مالاً فرده أبو عبد الله (ع) فقلت له: لِمَ رد عليك أبي عبد الله المال الذي حملته إليه؟ قال: فقال لي: إني قلت له حين حملت إليه المال: إني كنت وليت البحرين الغوص فأصبت أربعمئة ألف درهم وقد جئتكم بخمسها بثمانين ألف درهم وكرهت أن أحبسها عنك، وأن أعرض لها وهي حقك الذي جعله الله تبارك وتعالى في أموالنا، فقال: (أو ما لنا من الأرض وما أخرج الله منها إلا الخمس يا أبا سيار؟ إن الأرض كلها لنا فما أخرج الله منها من شيء فهو لنا)، فقلت له: وأنا أحمل إليك المال كله؟ فقال: (يا أبا سيار، قد طيبناه لك وأحللناك منه فضم إليك مالك، وكل ما في أيدي شيعتنا من الأرض فهم فيه محللون حتى يقوم قائمنا فيجيبهم طسق ما كان في أيديهم ويترك الأرض في أيديهم، وأما ما كان في أيدي غيرهم فإن كسبهم من الأرض حرام عليهم حتى يقوم قائمنا، فيأخذ الأرض من أيديهم ويخرجهم صغرة). قال عمر بن یزید: فقال لي أبو سيار: ما أرى أحداً من أصحاب الضياع ولا ممن يلي الأعمال يأكل حلالاً غيري إلا من طيبوا له ذلك. الكافي: ج 1 ص 408.

وهناك روايات كثيرة بهذا المعنى تركت التعرض لها لعدم مناسبة المقام للاطلاع. (المعلق).

[562] - از عمر بن یزید نقل شده است: مسمع را در مدینه دیدم که مال آن سال را که برای ابو عبد الله (ع) برده بود با خود می‌برد و ابو عبد الله (ع) آن را به او پس داده بود. به او گفتم: چرا ابو عبد الله (ع) مالی که برایش برده بودی را از تو نگرفت؟! به من گفت: وقتی مال را نزد امام بردم به او گفتم: در بحرین غواصی کردم و مبلغ چهار صد هزار درهم کسب کردم و خمس آن را که بالغ بر هشتاد هزار درهم بود محاسبه کردم و خوش نداشتم پیش خودم نگه دارم؛ آن را به شما می‌دهم که حقی است که خداوند تبارک و تعالی از اموال شما برای ما قرار داده است. امام فرمود: «آیا فقط خمس آنچه در زمین است و از آن خارج می‌شود متعلق به ما است، ای ابا سيار؟ ای ابا سيار، همه‌ی زمین و هر آنچه از آن خارج می‌گردد ملک ما است». به او گفتم: آیا همه‌ی مال را برای شما بیاورم؟ فرمود: «ای ابا سيار، آن را برای تو پاک و مطهر و برایت حلالش نمودیم. مالت را بردار. و هر آنچه در اختیار شیعیان ما از زمین و غیره است، حلال شده است تا قائم ما قیام کند که او در آن تصرف خواهد کرد و هر آنچه در اختیار شیعیان ما است برای آنها باقی خواهد گذارد. اما هر آنچه در اختیار غیر از شیعیان ما است، هر چه از زمین به دست آورده‌اند برایشان حرام است تا قائم ما قیام کند که زمین را از آنها باز پس خواهد گرفت و آنها را خوارشان خواهد ساخت».

عمر بن یزیدگفت: ابو سيار به من گفت: به غیر از من و کسانی که برایشان حلال شده است، همه‌ی صاحبان باغ‌ها یا کسانی که با کارشان روزی می‌خورند، همه حرام می‌خورند. کافی: ج 1 ص 408.

در این خصوص روایات بسیاری آمده است که به جهت جلوگیری از طولانی شدن مطلب از آوردنشان صرف نظر کردم.